

به نام خدا

داستان های دکتر دولیتل (۳)

باغ وحش

DOCTOR DOLITTLE S' ZOO

نویسنده ی هیو لافتینگ
ترجمه ی محمد قصاع



لافتینگ، هیو، ۱۸۸۶ - ۱۹۲۷ م
باغ وحش نوشته ی هیو لافتینگ؛ ترجمه ی محمد فصاح؛ ویراستار اکبر میر جعفری؛
فرهنگ عمرانی. - تهران: مهراب قلم، ۱۳۸۵.

۲۵۶ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
ISBN 964-323-350-2
عنوان اصلی: DOCTOR DOLITTLE'S ZOO

۱. داستان های کودکان انگلیسی - قرن ۲۰ م. الف. فصاح، محمد، ۱۳۲۳ - مترجم.
ب. میر جعفری، اکبر و ویراستار. ج. عمرانی، فرهنگ، ۱۳۴۴ - ویراستار.

(ج) ۸۳۳/۹۱۴

PZY / ۱۱۷

۱۳۸۵

۴۷۷۰۳ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

باغ وحش

نویسنده: هیو لافتینگ

مترجم: محمد فصاح

ویراستار ادبی: سید اکبر میر جعفری، فرهنگ عمرانی

مدیر امور هنری: بهزاد شریب پور

طراح جلد: ریتون گرافیک

حروفچین و صفحه آراء: مریم حافظیه

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

لینتوگرافی: متین

چاپ: نگارش

WWW.mehrab-e-Ghalam.com

www.meg.ir

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

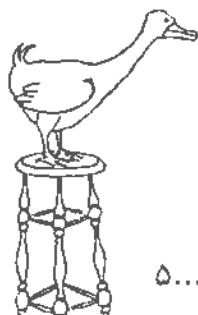
کلیه ی حقوق محفوظ است.

ISBN 964- 323-350-2

شابک: ۹۶۴-۳۲۳-۳۵۰-۲

تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۲۱۶
تلفن: ۸۰-۸۷۹-۰۸۷۹ ۶۶۴۱۸۱۹۰-۰۶۶۴۱۸۱۹۰ شماره: ۶۶۴۶۵۲۰۱ صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۵۶۸





فهرست

مقدمه.....	۵
فصل ۱/ پیامی از دب.....	۹
فصل ۲/ ماجرای برگشتن.....	۱۵
فصل ۳/ جشن غافلگیر کننده.....	۲۳
فصل ۴/ باغ وحش جدید.....	۳۱
فصل ۵/ شهر حیوانات.....	۳۹
فصل ۶/ باز هم فقر.....	۴۵
فصل ۷/ دندان گورکن.....	۵۳
فصل ۸/ شب طلا در پادلبای.....	۵۹
فصل ۹/ الفبای موش ها.....	۶۷
فصل ۱۰/ آموزش جدید.....	۷۵
فصل ۱۱/ باشگاه موش ها.....	۸۱
فصل ۱۲/ شام ماهگرد.....	۸۹
فصل ۱۳/ موش هتل.....	۹۷
فصل ۱۴/ تیز چشم رانده شده.....	۱۰۷
فصل ۱۵/ موش آتشفشان.....	۱۱۵
فصل ۱۶/ صداهاى زمین.....	۱۲۳
فصل ۱۷/ ایالات متحد موش ها.....	۱۲۹
فصل ۱۸/ موش موزه.....	۱۳۷
فصل ۱۹/ شاهکار پروفیسور فوزلیباگ.....	۱۴۵
فصل ۲۰/ موش اسطبل.....	۱۵۷
فصل ۲۱/ نیرنگ لوسیفر.....	۱۶۷

فهرست

فصل ۲۲/ ساختمان بزرگ مورسدن.....	۱۷۷
فصل ۲۳/ آتش.....	۱۸۵
فصل ۲۴/ جعبه‌های چرمی.....	۱۹۱
فصل ۲۵/ سگ‌های نگهبان.....	۱۹۹
فصل ۲۶/ تکه‌ی کاغذ.....	۲۰۵
فصل ۲۷/ آمدن کلینگ.....	۲۱۱
فصل ۲۸/ راز خانه‌ی مورسدن.....	۲۱۷
فصل ۲۹/ سگ کارآگاه.....	۲۲۵
فصل ۳۰/ آقای تراگمورتون پیر.....	۲۲۹
فصل ۳۱/ قفسه‌ی سری.....	۲۳۳
فصل ۳۲/ دویدن موش سفید.....	۲۳۹
فصل ۳۳/ دستگیری ما.....	۲۴۵
درباره‌ی نویسنده.....	۲۵۲



به پستی صندلی ام تکیه دادم و ته مدادم را جویدم و گفتم: «پولینزیا! به نظر تو بهترین شیوه برای شروع یک کتاب دیگر درباره‌ی دکتر دولیتل چیست؟»

طوطی پیر که تصویر خودش را در شیشه‌ی دوات تماشا می‌کرد، ناگهان سرش را بالا آورد و به من نگاه کرد. او با هیجان گفت: «یک کتاب دیگر؟! می‌خواهی یک کتاب دکتر دولیتل دیگر بنویسی؟»

من پاسخ دادم: «اوم... بله. به هر حال ما زندگی‌نامه‌ی دکتر را می‌نویسیم و هنوز کارمان تمام نشده است.»

پولینزیا گفت: «آه، بله، خودم می‌دانم. اما به این فکر می‌کردم که چه کسی درباره‌ی تعداد این کتاب‌ها تصمیم می‌گیرد.»

پاسخ دادم: «خب، به گمانم مردم و خواننده‌ها درباره‌ی این موضوع تصمیم می‌گیرند. اما حالا به من بگو اگر تو نویسنده بودی، این کتاب را چگونه شروع می‌کردی؟»

پولینزیا چشمانش را در حلقه چرخاند و گفت: «تامس استاینس! پاسخ دادن به این پرسش خیلی سخت است. چیزهای جالب در زندگی جان دولیتل آن قدر زیاد است که نمی‌دانیم چه چیزهایی را حذف کنیم، و چه چیزهایی را در کتاب بنویسیم. تامس! من موه‌ای خاکستری را روی شقیقه‌هایت می‌بینم. اگر بخواهی همه‌ی کارهایی را که دکتر انجام داده، بنویسی، کتابت را زمانی تمام خواهی کرد که به سن من برسی. البته تو این کتاب را برای دانشمندان نمی‌نویسی؛ اما اعتراف می‌کنم گاهی به ذهنم می‌رسد که چون تو غیر از دکتر تنها کسی هستی



مقدمه

که می‌توانی به زبان حیوانات حرف بزنی، باید مطالبی نیز درباره‌ی تاریخ طبیعت بنویسی؛ منظوم کتابی فاخر و علمی است؛ اما شاید بعد بتوانی آن کار را انجام بدهی. همان طور که گفتی، هنوز در حال نوشتن داستان زندگی آن مرد بزرگ هستیم... چطور شروع کنیم؟ اوم...! چرا از زمان برگشتن به رود پادلبای داخل صدف بزرگ دریایی، شروع نکنیم؛ یادت هست؟ پس از فرمان در زیر اقیانوس؟»

گفتم: «بله؛ خودم هم به این فکر کرده بودم که از همان‌جا شروع کنم. اما مشکل اصلی این بود که چگونه شروع کنم؛ نه آن‌که از کجا شروع کنم. منظوم این است که چه چیزهایی را حذف کنم و چه چیزهایی را بنویسم و چه بخش‌هایی را که جالب‌ترند انتخاب کنم.»

طوطی پیر گفت: «آه! بله، مشکل همین است. بارها همین جمله را از خود دکتر شنیدم؛ وقتی که کیف کوچک سیاهش را برای رفتن به سفر می‌بست، می‌گفت: چه چیز را بردارم و چه چیزهایی را حذف کنم؟ مشکل همین است.»

من گفتم: «درست است؛ اما تو هنوز به پرسش‌م پاسخ نداده‌ای.»

پولینزیا چند لحظه فکر کرد؛ سپس پرسید: «چه اسمی برای کتاب انتخاب کرده‌ای؟»

پاسخ دادم: «باغ وحش دکتر دولیتل.»

او گفت: «اوم...! پس به گمانم باید خیلی سریع به مطالب مربوط به باغ وحش بررسی؛ اما به نظر من بهتر است ابتدا کمی درباره‌ی برگشتن به خانه، پدر و مادرت و چیزهایی شبیه آن بنویسی. تو حدود سه سال از شهر و خانواده‌ات دور بودی. البته این موضوع کمی احساسی و



مقدمه

عاطفی است. بیشتر مردم از احساسات و عاطفه در کتاب خوششان می‌آید. من پیرزنی را می‌شناختم که کتاب‌های غم‌انگیزی را دوست داشت که او را به گریه می‌انداخت.

من که دیدم طوطی پیر از موضوع اصلی دور می‌شود، با عجله گفتم: «بله، بله. اما بهتر است از موضوع اصلی دور نشویم.»

او گفت: «خب، به گمانم بهترین کار این است که وقتی که می‌نویسی، همه چیز را با صدای بلند برایم بخوانی؛ اگر خوابم برد، می‌فهمی که نوشته‌هایت کسالت‌آور و خسته کننده شده است. نوشته‌هایت باید سرزنده و نشاط‌آور باشد تا خوابم نبرد؛ چون هر چه پیرتر می‌شوم، بیدار ماندن پس از ناهار برایم سخت‌تر می‌شود. الان هم زیاد ناهار خورده‌ام. اگر کاغذ و جوهر به اندازه‌ی کافی داری، کارت را شروع کن.»

به این ترتیب، قلم جدیدی برداشتم و نوک آن را با دقت تیز کردم و کارم را شروع کردم.

مجموعه کتاب‌های دکتر دولیتل، همواره برایم جذاب بوده‌اند. به گمانم بسیاری از کسانی که کتاب‌های «دوستان» و «سفرهای دکتر دولیتل» را خوانده‌اند، در خواندن کتاب «باغ وحش» تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

اما تذکر نکته‌ای را ضروری می‌دانم که اگر دو کتابی که در بالا نام بردم، نخوانده باشید، هنگام مطالعه‌ی این کتاب با پرسش‌های زیادی روبه‌رو خواهید شد. برای مثال: دکتر چگونه زبان حیوانات را یاد گرفت؟ هر یک از جانوران چگونه به او پیوستند و هر کدام چه شخصیتی دارند؟

بنابراین توصیه می‌کنم ابتدا دست کم کتاب «دوستان» را بخوانید تا از کتابی که اکنون در دست دارید، بیشتر لذت ببرید. قصد ندارم مقدمه‌ای طولانی بنویسم؛ زیرا بسیاری از مطالب مهم را در مقدمه‌ی دو کتاب پیشین گفته‌ام.

ضروری می‌دانم از خوانندگان محترم تقاضا کنم نظرات خود را در باره‌ی این کتاب برای ناشر محترم بفرستند تا برای چاپ کتاب‌های بعدی دکتر دولیتل، راهنمای ما باشد.

باتشکر- محمد قصاع